

مقاله پژوهشی: تبیین جامعه‌شناختی احساس ناامنی اجتماعی و تأثیر آن بر نابرداری اجتماعی (مورد مطالعه ساکنان بالای ۱۸ سال شهر تهران)

طوبی زمانی^۱، علیرضا محسنی تبریزی^۲، عبدالرضا شاه‌محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۳

چکیده

بردباری اجتماعی از جمله مهم‌ترین نیازهای جوامع چندفرهنگی و چندقومیتی است. به همین میزان نابدرداری اجتماعی نیز دارای اهمیت بوده و در صورت افزایش آن در جامعه می‌تواند مسائل و مشکلات عدیده‌ای را موجب شود. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی ارتباط بین احساس امنیت اجتماعی و نابدرداری اجتماعی در تهران انجام شده است. روش آن کمی بوده و جامعه آماری آن عبارت است از کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران. نمونه مورد مطالعه ۷۶۸ نفر است که بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران برآورد شده و داده‌های مورد نیاز از طریق یک پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. از مجموع پاسخگویان ۴۹٫۴ درصد مرد و ۵۰٫۶ درصد زن هستند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بین درآمد و نابدرداری اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد و این متغیر از پیش‌بینی تغییرات نابدرداری اجتماعی ناتوان است؛ اما ارتباط بین متغیرهای سن و تحصیلات با نابدرداری اجتماعی معنادار است. همچنین بین احساس امنیت اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی و نابدرداری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت اجتماعی، محرومیت نسبی، آنومی، نابدرداری اجتماعی، مناطق شهرداری تهران.

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) toobazamani500@gmail.com

۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

مقدمه

«نابردباری اجتماعی، بیش از هر چیز برآیند عدم قبول تفاوت‌ها در یک جامعه است. این تفاوت‌ها شامل تفاوت‌های قومی، زبانی، طبقاتی، سیاسی و ... است. ایران با دارا بودن اقوام، اقشار و گروه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ظرفیت زیادی در گسترش و تعمیق نابردباری اجتماعی دارد. به طور کل در بستر چنین تنوعی، هرچند در تاریخ طولانی ایران زمین، نشانه‌های بسیاری از هم‌زیستی اقوام و مذاهب یافت می‌شود، اما این تاریخ مملو از کینه‌توزی‌های قومی و تصفیه‌های مذهبی از سلطان محمود با عنوان شیخ‌کشی تا کریم‌خان زند در حمله به کرمان است» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). این تنوع و تکثر ریشه تاریخی دارد و بیش از هر چیز ناشی از موقعیت ممتاز آن به عنوان چهارراهی جهانی است که همواره کانون تلاقی فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون و عرصه رفت‌وآمدها و هجوم‌های مختلف بوده است. این موقعیت ویژه، زمینه‌ساز جاگیر شدن گروه‌های قومی و مذهبی مختلف در آن شده است» (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۲۵). نکته قابل توجه این است که در گذشته اقوام و گروه‌های مختلف بیشتر به صورت جدا از یکدیگر و هرکدام در سرزمین‌های مخصوص به خود می‌زیستند. به همین خاطر این تنوع شاید تا قبل از دوران مدرن و به ویژه چند دهه اخیر که جامعه ایران تا حدود زیادی تحت تأثیر مهاجرت و رشد بی‌رویه شهرنشینی قرار گرفته است، مسئله چندان مهمی به شمار نمی‌رفت؛ اما امروزه ترکیب جمعیتی بسیاری از شهرها از نظر تنوعات قومی، مذهبی، جنسیتی و ... دست‌خوش تغییراتی اساسی شده و موضوع بردباری اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است.

بر اساس آمار و ارقام موجود، کشور ما در سال ۱۳۳۵ دارای ۵ میلیون و ۹۵۳ هزار و ۵۶۳ نفر جمعیت شهری و ۱۳ میلیون و ۱ هزار و ۱۶۱ نفر جمعیت روستایی بوده که این مقدار در آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ به ۵۹ میلیون و ۱۴۶ هزار و ۸۴۷ نفر شهری و ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار و ۶۲۵ نفر روستایی رسیده است. به گواهی آمار، عمده افزایش و رشد جمعیت شهری در نتیجه دو عامل اصلی رشد طبیعی و مهاجرت‌های روستا-شهری و مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بوده است. این تغییر جمعیت برای شهر

تهران به مراتب بیشتر از سایر شهرهای کشور بوده است. طوری که از ۱۹۶ هزار و ۲۵۵ نفر در سال ۱۳۰۱ به ۸ میلیون و ۶۷۹ هزار و ۹۳۶ نفر در سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری موجود) رسیده است؛ یعنی طی حدود یک قرن گذشته، جمعیت این شهر بیش از ۴۴ برابر شده است. به همین خاطر تهران امروزه به دلیل حجم جمعیت قابل توجه و به‌ویژه به خاطر شمار بالای مهاجرت به آینه‌ای تمام‌نما از تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و... کشور بدل شده است. به‌علاوه این شهر به دلیل موقعیت آن به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری کشور، جایگاه حضور انواع گروه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی است. همچنین حضور شمار زیادی از اتباع کشور افغانستان نیز بر چنین تنوعی بیش از پیش افزوده است.

بنابراین، شاید بتوان گفت که موضوع بردباری و همزیستی در ایران و به‌ویژه در تهران هیچ‌گاه به گستردگی امروز مورد توجه نبوده است. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که انسان‌ها تاکنون اهمیت تفاوت‌ها را این‌چنین ملموس و گسترده و به‌صورت رویارویی‌های روزمره با دیگربودگی^۱ تجربه نکرده بودند.

در چنین فضایی دیگر «بردباری یا مدارا یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای بهبود حداقل کیفیت روابط اجتماعی، همچنین اجتناب از خشونت و اجبار و کاهش احساس ناامنی اجتماعی است» (فیروزجانبان و دیگران، ۱۳۹۵: ۸). موضوع مهم‌تر به ارتباط احساس امنیت اجتماعی و بردباری اجتماعی مربوط است. در حقیقت احساس ناامنی اجتماعی پیوند تنگاتنگی با میزان تنوع اجتماعی و فرهنگی از یک طرف و میزان نابردباری اجتماعی از طرف دیگر دارد. نابردباری می‌تواند منشأ بسیاری از خشونت‌های اجتماعی در سطوح مختلف تعاملات روزمره، سازمان‌ها، نهادها و روابط بین منطقه‌ای و سطح ملی و بین‌المللی باشد. اهمیت و ضرورت این مسئله از دو جهت است. یکی به خاطر وضعیت نابردباری اجتماعی در دوران کنونی که آمار بالای خشونت و درگیری‌های خیابانی و... حاکی از بالا بودن میزان آن و همچنین ارتباط تنگاتنگ این امر با پدیده امنیت اجتماعی است. این امر می‌تواند به طرز معناداری کارکرد درست حوزه‌های زندگی اجتماعی را دستخوش تغییر

قرار دهد. دلیل دوم نیز به لزوم انجام چنین مطالعه‌ای جهت پر کردن گوشه‌ای از خلأهای مطالعاتی در حوزه نابدرباری اجتماعی و ارائه راهکارهای کاربردی در حل این مسئله بازمی‌گردد. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت که احساس ناامنی می‌تواند یکی از عوامل کاهش بردباری اجتماعی در بین شهروندان باشد. از این رو مسئله اصلی در این مقاله تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین احساس ناامنی اجتماعی نابدرباری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی است. سؤال‌های اصلی تحقیق را می‌توان این‌گونه مطرح کرد:

۱. آیا میزانی از نابدرباری اجتماعی و احساس ناامنی اجتماعی بین شهروندان تهرانی وجود دارد؟
۲. دیگر اینکه احساس امنیت اجتماعی چه میزان از تغییرات نابدرباری اجتماعی را تبیین می‌کند؟
۳. آیا بین احساس آنومی و نابدرباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد؟
۴. آیا بین احساس محرومیت نسبی و نابدرباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد؟
۵. آیا بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق و نابدرباری اجتماعی ارتباطی وجود دارد؟ همچنین علل و زمینه‌های هر دو پدیده احساس امنیت اجتماعی و نابدرباری اجتماعی چیست؟

چهارچوب مفهومی و نظری

در این بخش سعی شده است ابتدا به تعریف مفاهیمی مانند (نا) بردباری و احساس امنیت اجتماعی پرداخته شود و سپس مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با توضیح و تبیین هر دو مفهوم ارائه می‌شود.

الف. تعریف مفاهیم

در اینجا ابتدا مفهوم نابدرباری و سپس مفهوم ناامنی اجتماعی تعریف خواهد شد.

نابردباری اجتماعی

ضروری است که «واژه نابردباری را در ارتباط با بردباری یا تساهل تعریف نمود که در لغت به معنای سهل گرفتن بر یکدیگر و به نرمی با یکدیگر رفتار کردن، رواداری و تحمل هرگونه عقیده و رفتار مخالف است؛ اما در اصطلاح اجتماعی به معنای مدارا کردن و خویشن‌داری نسبت به عقاید و رفتاری است (ترکرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)؛ به عبارت دیگر بردباری شکل مثبت نابردباری است، ولی متضاد آن نیست» (پرایور و دیگران، ۲۰۰۱: ۵).

بردباری در غرب ابتدا تا انقلاب فرانسه به مخاطبین متدین مربوط می‌شد. جان لاک نخستین کسی است که در این مورد دست به نوشتن برده است. بعد از انقلاب فرانسه، این واژه وارد سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی شد (فیروزجاییان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲)؛ اما تا مدت‌ها بیشتر تحقیقات تجربی درباره بردباری در حوزه بردباری سیاسی انجام می‌شد. در این نوع تحقیقات به مقایسه بردباری در بین ملت‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون پرداخته می‌شد. بعد از آن در سایر حوزه‌ها نیز مطالعاتی در زمینه بردباری اجتماعی انجام گرفته است (واندورن، ۲۰۱۲: ۷).

احساس ناامنی اجتماعی

احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی است. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد گوناگون به صورت‌های گوناگونی آن را تجربه می‌کنند؛ بنابراین احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در ارتباط است (هزارجریبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

بعد ذهنی احساس امنیت آن را به سمت اجتماعی بودن سوق می‌دهد. امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه (شانس زندگی) و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان (شیوه زندگی) است (صالحی امیری و کریمی خوزانی، ۱۳۹۵: ۱۳).

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. وی امنیت اجتماعی را به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی،

فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط می‌داند. بوزان و ویور موضوع محوری امنیت اجتماعی را «هویت» و پاسداری از هویت را هدف امنیت اجتماعی دانسته‌اند. اینکه ما کیستیم؟ به چه کسانی تعلق داریم؟ با چه کسانی همراه هستیم؟ و از چه کسانی پرهیز می‌کنیم؟ موضوع امنیت اجتماعی است (آدمی، ۱۳۹۴: ۱۵). بوزان در تعریف امنیت می‌گوید که عبارت است از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

ب. مبانی نظری

برای تبیین چیستی و چرایی نابردباری اجتماعی و ارتباط آن با احساس ناامنی اجتماعی، در مجموع چهار نظریه پرستون کینگ (درباره بردباری اجتماعی)، بوزان و ویور (درباره امنیت اجتماعی) و نظریه‌های احساس محرومیت نسبی و احساس آنومی استفاده می‌شود.

نظریه بردباری اجتماعی پرستون کینگ

به‌طور کل بررسی ادبیات نظری موجود نشان می‌دهد که مفهوم بردباری توسط اندیشمندان زیادی مورد بحث قرار گرفته و در این باره تقسیم‌بندی‌های مختلفی از این اصطلاح ارائه شده است. برای مثال «گلد اشمیت»^۱ بردباری اجتماعی را به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می‌کند. لرد اسکارمن^۲ نیز به نوبه خود بردباری را به دو گروه بردباری مثبت و بردباری منفی تقسیم می‌کند. چیکرینگ و ریسر^۳ نیز از دو نوع بردباری بین فرهنگی و بین فردی نام می‌برند (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۸-۶). «وگت»^۴ نیز از سه نوع بردباری سیاسی، مذهبی و اجتماعی صحبت می‌کند (واندورن، ۲۰۱۲: ۳).

-
1. Goldschmidt
 2. Scarman
 3. Chickering and Reisser
 4. Vogt

«پرستون کینگ نیز یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های حوزه مطالعات بردباری اجتماعی را ارائه داده است. در این تحقیق در سنجش میزان نابدرباری از نظریه کینگ استفاده شده است. کینگ از چهار نوع بردباری اجتماعی نام می‌برد: بردباری عقیدتی، بردباری سیاسی، بردباری هویتی و بردباری رفتاری» (ترکاری، ۱۳۸۸: ۱۴۱ و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۹). «بردباری عقیدتی عبارت است از بردباری نسبت به وجود یا بیان و یا تبلیغ عقاید مخالف با عقاید عامل تساهل مانند باور به دگراندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، عدم تعصب و باور به آزادی عقیده دیگران».

«بردباری سیاسی عبارت است از شناسایی حق گردهم‌آیی صاحبان عقاید مختلف و ایجاد نهادهای مربوطه به حل و فصل تضادها و حق اعتراض در قالب نشریات یا راهپیمایی‌ها. بردباری هویتی عبارت است از اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی مانند دین، ملیت و قومیت که اختیاری نیستند و درنهایت بردباری رفتاری شامل سه نوع بردباری در روابط جنسی، بردباری نسبت به جرم و بردباری نسبت به مجرمان می‌شود» (ترکاری، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

امنیت و امنیت اجتماعی؛ نظریه بوزان و ویور

از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و سنن، در شرایط قابل پذیرش برای تکامل. درواقع امنیت اجتماعی از نظر او معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد است که هویت گروهی او را سامان می‌دهد. بوزان ممنوعیت به‌کارگیری زبان، نام‌ها و لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای یک جامعه را از جمله عواملی می‌داند که امنیت اجتماعی یک جامعه را به خطر می‌اندازد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۲). او اغلب امنیت اجتماعی را شامل چهار بعد امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت فکری و امنیت جمعی می‌داند.

ویور معتقد بود که نظریه بوزان دولت‌محور بوده و هویت را در نظر نمی‌گیرد. وی امنیت را دارای دو بخش امنیت دولت و امنیت اجتماع می‌داند. از نظر او امنیت اجتماعی توانایی جامعه در حفظ ویژگی‌های اساسی خود تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل است. در حالی که امنیت ملی به تهدیداتی اشاره دارد که اقتدار دولت را تهدید

می‌کند. امنیت اجتماعی ناظر به تهدیداتی است که هویت جامعه را نشانه رفته است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۲). به عقیده او امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست، بلکه هم‌تراز امنیت اجتماعی و امنیت ملی است (بنی‌فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۰: ۶۳). بوزان نقطه آغاز مسئله امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌کند که «مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کرده و برخی پدیده‌ها را به‌عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار نمایند که از وضعیتی امنیتی‌شده و الزامات آن پیروی نمایند»؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد که این مسئله فقط در ذهن‌ها وجود داشته باشد، بلکه یک ویژگی اجتماعی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶).

احساس محرومیت نسبی/احساس آنومی

از آنجایی که بعدی مهم از احساس امنیت ذهنی است، یعنی به تصور فرد از وضعیت امنیتی خود و جامعه بازمی‌گردد. متغیرهای زیادی می‌توانند بر این احساس امنیت تأثیر بگذارند. یکی از این متغیرها احساس محرومیت نسبی و دیگری احساس آنومی است. افراد به میزانی که بیشتر احساس محرومیت یا احساس آنومی بکنند، ممکن است احساس ناامنی بیشتری نیز داشته باشند و در نتیجه برای رفع این احساسات دست به خشونت علیه مسببان آن بزنند؛ یعنی در مقابل دیگری‌های مقصر میزان بردباری اجتماعی‌شان کاهش پیدا کند. مفهوم محرومیت نسبی توسط جودیت بلاو و پیتر بلاو بنیان نهاده شد. این دو نفر مفاهیمی را از نظریه آنومی با الگوی بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کردند. بر اساس این نظریه، افراد متعلق به طبقات پایین، زمانی که شرایط زندگی‌شان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری اجتماعی وجود دارد و به‌وسیله ابزارهای قانونی شانس‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد احساس بی‌اعتمادی به جامعه می‌کنند. تأثیر نابرابری زمانی به بیشترین حد خود می‌رسد که افراد فقیر به این اعتقاد برسند که از توانایی کمتری به‌منظور رقابت در جامعه‌ای که توازنی بین قدرت اقتصادی و اجتماعی آن وجود ندارد، برخوردارند (حسینی نثار و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲).

شدت و عمق احساس محرومیت نسبی به ادراک ذهنی مردم از فاصله بین انتظارات بستگی دارد و امکانات ارضای نیاز مقایسه اجتماعی، مهم‌ترین شرط پیدایش احساس نارضایتی از وضع موجود و احساس نیاز در انسان‌ها است (رفعی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۲-۳۱). همان‌طور که گفته شد در تبیین احساس ناامنی اجتماعی و نابردباری اجتماعی، نظریه احساس آنومی نیز قابل استفاده است. در تعریف دورکیم، آنومی اشاره به نوعی بی‌سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی دارد. او بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به‌عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است به کار می‌برد. وی مفهوم آنومی و بی‌هنجاری را در دو سطح فردی و اجتماعی به کار برده است. آنومی در سطح فردی نوعی نابسامانی است که منجر به گسستگی و شکستگی انسان و معیار رفتار وی می‌شود؛ به عبارت دیگر نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری است و نشانگر حالتی فکری که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. همچنین آنومی در سطح اجتماعی نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به نظام اجتماعی سنجیده می‌شود. به‌طور کل آنومی در سطح اجتماعی گاهی حاصل تعارض و کشاکش قواعد و قوای اجتماعی است. به‌طوری که فرد نتواند خود را بر آن‌ها منطبق کند و از آن‌ها پیروی نماید و گاهی نیز به علت عدم وجود قواعد و هنجارهای اجتماعی است و در نتیجه دستورالعمل مشخصی برای رفتار تعریف نگردیده است که فرد بخواهد از آن‌ها تبعیت نماید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴).

جمع‌بندی نظری و ارائه فرضیه‌های تحقیق

بر اساس نظریات بریستون کینگ، بوزان و ویور و همچنین بر مبنای نظریه‌های احساس آنومی و احساس محرومیت نسبی و متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، تحصیلات و ... می‌توان فرضیات زیر را به آزمون گذاشت:

فرضیه اول: بین احساس امنیت اجتماعی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.

فرضیه دوم: بین احساس آنومی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.
فرضیه سوم: بین احساس محرومیت نسبی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تحصیلات و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.
فرضیه پنجم: بین درآمد و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.
فرضیه ششم: بین سن و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش کمی است. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری و با استفاده از روش‌ها و نرم‌افزارهای آماری مقتضی تجزیه و تحلیل شده است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه شهروندان بالغ تهرانی بالای ۱۸ سال که بر اساس آخرین سرشماری در شهر تهران ۷۱۷۷۱۵۴ نفر است. شیوه نمونه‌گیری به روش تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای است که پس از تقسیم تهران به پنج بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز، در مرحله اول از هر بخش به‌طور تصادفی یکی از مناطق آن را انتخاب کرده، سپس از میان محله‌های هر منطقه منتخب، یک محله را به‌صورت تصادفی انتخاب نموده و در مرحله نهایی در محلات منتخب با شروع تصادفی از هر سه خانه، یکی برگزیده شده و با سرپرست و یا یکی از اعضای بالای ۱۸ سال ساکن آن خانه، مصاحبه شده و پرسشنامه تکمیل شده است. به‌علاوه نظر به اهمیت متغیر جنسیت در تبیین موضوع نابردباری اجتماعی، سعی شده تا نسبت جنسی در حجم نمونه رعایت گردد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول مشهور کوکران استفاده شده است. بر طبق این فرمول و با سطح خطای پنج درصد، حجم نمونه برای جامعه آماری مورد نظر برابر است با ۳۸۴ نفر. با این وجود محقق تصمیم گرفته است که جهت پوشش بهتر جامعه آماری، حجم نمونه را

دو برابر یعنی ۷۶۸ نفر در نظر گیرد. به نسبت جمعیت مناطق، حجم نمونه هر منطقه نیز مشخص شده است.

به این ترتیب و با توجه به گفته‌های فوق، در مرحله اول ۵ منطقه از میان ۲۲ منطقه شهرداری انتخاب شده‌اند. مناطق انتخاب شده عبارت‌اند از: منطقه ۱ (شمال تهران)، منطقه ۱۹ (جنوب تهران)، منطقه ۵ (غرب تهران)، منطقه ۸ (شرق تهران) و منطقه ۱۲ (مرکز تهران). سپس از میان محله‌های هر منطقه، یک محله را به صورت تصادفی انتخاب نموده و در مرحله نهایی در محلات منتخب با شروع تصادفی از هر سه خانه، یکی برگزیده شده و با یکی از اعضای بالای ۱۸ سال آن مصاحبه صورت می‌گیرد.

تعریف عملیاتی و سنجش اعتبار متغیرهای تحقیق

در این تحقیق برای سنجش نابردباری اجتماعی از مقیاس متشکل از ۴۰ گویه در فرم مقیاس لیکرت استفاده شده است. اغلب احساس امنیت اجتماعی را شامل چهار بعد احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت فکری و امنیت جمعی می‌دانند. برای سنجش این متغیر از ۱۱ گویه به قرار جدول زیر استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیر احساس محرومیت نسبی از پنج گویه استفاده شده است. لازم به ذکر است که جهت تعیین روایی و اعتبار ابزار سنجش، از روایی صوری و جهت سنجش پایایی مقیاس‌ها از آزمون کرونباخ استفاده شده است. در جدول زیر اطلاعات لازم ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون‌های تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ

متغیرهای تحقیق	تعداد سؤال	KMO	آلفای کرونباخ
احساس امنیت اجتماعی	۱۱	۰,۷۰	۰,۷۳
نابردباری اجتماعی	۴۰	۰,۹۲	۰,۹۴
احساس محرومیت نسبی	۵	۰,۶۳	۰,۶۰
احساس آنومی	6	0.70	0.74

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا توصیفی کلی از نظر متغیرهای زمینه‌ای از جامعه مورد مطالعه ارائه شده و سپس بر مبنای سکال‌های تحقیق، یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس یافته‌ها در دو بخش توصیفی و تحلیلی تنظیم شده است.

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از مجموع ۷۴۱ پاسخگو، ۳۶۶ نفر مرد، معادل ۴۹٫۴ درصد مرد و ۶۷۵ نفر معادل ۵۰٫۶ درصد زن هستند. از نظر وضعیت تأهل نیز ۴۲۰ نفر معادل ۵۶٫۷ درصد از آزمودنی‌ها مجرد، ۲۵۵ نفر، یعنی ۳۴٫۴ درصد متأهل، ۲۲ نفر معادل ۳ درصد مطلقه هستند. همچنین ۱۳ نفر، معادل ۱٫۸ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که همسرشان فوت کرده است. به علاوه ۳۱ نفر، یعنی ۴٫۱ درصد از آن‌ها نیز وضعیت تأهل خود را بیان نکرده‌اند. از نظر میزان تحصیلات نیز نتایج بیانگر این است که کمتر از یک درصد (هفت نفر) از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی هستند. ۴٫۳ درصد دارای مدرک سیکل و ۱۴٫۶ درصد نیز دیپلم دارند. ۵۵ نفر معادل ۷٫۴ درصد از آن‌ها فوق دیپلم هستند. ۲۲۱ نفر، یعنی ۲۹٫۸ درصد دارای مدرک لیسانس هستند. همچنین ۳۵٫۲ درصد، یعنی ۲۶۱ نفر از پاسخگویان مدرک فوق لیسانس دارند. ۶٫۶ درصد، معادل ۴۹ نفر نیز از مدرک دکتری برخوردار هستند. در نهایت اینکه تنها دو نفر از آن‌ها دارای مدرک حوزوی هستند. به علاوه، شش نفر، معادل ۰٫۷ درصد تحصیلات خود را بیان نکرده‌اند.

همچنین از مجموع ۷۴۱ نفر پاسخگو، ۱۶۱ نفر، معادل ۲۱٫۷ درصد در منطقه ۱، ۲۸۵ نفر، معادل ۳۸٫۵ درصد در منطقه ۵، ۱۱۲ نفر، معادل ۱۵٫۱ درصد در منطقه ۸، ۸۴ نفر، معادل ۱۱٫۳ درصد در منطقه ۱۲ و ۹۱ نفر، معادل ۱۲٫۳ درصد در منطقه ۱۹ ساکن هستند. همچنین، ۸ نفر، معادل ۱٫۱ درصد مشخص نیست که در چه منطقه‌ای سکونت دارند.

سؤال اول: آیا میزانی از نابردباری اجتماعی و احساس ناامنی اجتماعی بین شهروندان

تهرانی وجود دارد؟

همان‌طور که خوانندگان استحضار دارند در سؤال اول، توصیف جامعه هدف از نظر متغیرهای اصلی تحقیق مطرح است. به همین خاطر در پاسخ به این سؤال، ابتدا در قالب

جدول وضعیت پاسخگویان از نظر نابردباری اجتماعی و به تفکیک منطقه شهرداری آمده است. سپس همین امر در مورد متغیر احساس ناامنی اجتماعی نیز تکرار شده است. در نهایت اینکه برای ارائه تصویری دقیق‌تر از وضعیت جامعه مورد بررسی، به توصیف آن بر اساس متغیرهای محرومیت نسبی و احساس انومی نیز پرداخته شده است.

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، در مجموع میزان نابردباری اجتماعی ۵۴ درصد پاسخگویان منطقه ۱ شهرداری تهران زیاد و خیلی زیاد است. این مقدار برای منطقه ۱۲ نیز ۵۲,۴ درصد است. همچنین ۲۸,۴ درصد پاسخگویان منطقه ۵ نابردباری اجتماعی خود را زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. این رقم برای مناطق ۸ و ۱۹ نیز به ترتیب ۳۸,۴ و ۳۳,۴ درصد است. همچنین ۴۵,۶ درصد پاسخگویان منطقه پنج دارای نابردباری اجتماعی متوسط هستند. این رقم برای منطقه ۱ عبارت است از ۲۷,۳ در مناطق ۱۲، ۱۹ و ۸ به ترتیب ۳۳,۳، ۲۹,۷ و ۲۹,۵ درصد است.

به‌علاوه ۶,۵ درصد پاسخگویان منطقه ۱۹، ۱۴,۳ درصد پاسخگویان منطقه ۱۲، ۳۲,۲ درصد پاسخگویان منطقه ۸، ۲۶ درصد پاسخگویان منطقه ۵ و ۱۸,۶ درصد پاسخگویان منطقه ۱، میزان نابردباری اجتماعی خود را کم و خیلی کم اعلام کرده‌اند.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان برحسب متغیر نابردباری اجتماعی و به تفکیک منطقه شهرداری

نابردباری اجتماعی	منطقه ۱		منطقه ۵		منطقه ۸		منطقه ۱۲		منطقه ۱۹		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی زیاد	۳۰	۱۸,۶	۲۰	۷	۱۱	۹,۸	۱۲	۱۴,۳	۱۲	۱۳,۲	۸۵	۱۱,۶
زیاد	۵۷	۳۵,۴	۶۱	۲۱,۴	۳۲	۲۸,۶	۳۲	۳۸,۱	۴۶	۲۰,۲	۲۲۸	۳۱,۱
متوسط	۴۴	۲۷,۳	۱۳۰	۴۵,۶	۳۳	۲۹,۵	۲۸	۳۳,۳	۲۷	۲۹,۷	۲۶۲	۳۵,۷
کم	۲۴	۱۴,۹	۶۳	۲۲,۱	۲۹	۲۵,۹	۹	۱۰,۷	۵	۵,۵	۱۳۰	۱۷,۷
خیلی کم	۶	۳,۷	۱۱	۳,۹	۷	۶,۳	۳	۳,۶	۱	۱,۱	۲۸	۳,۸
جمع	۱۶۱	۱۰۰	۲۸۵	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۹۱	۱۰۰	۷۳۳	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول زیر، ۷۴,۸ درصد پاسخگویان منطقه ۵ میزان احساس امنیت خود را زیاد و خیلی زیاد عنوان کرده‌اند. این رقم در منطقه ۱۹ عبارت است از ۴۸,۱

درصد. در مناطق ۸، ۱ و ۱۲ به ترتیب ۵۷,۱، ۵۶,۵ و ۵۲.۰۵ درصد پاسخگویان میزان احساس امنیت خود را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

در منطقه ۱۹ حدود ۴۷ درصد پاسخگویان دارای احساس امنیت متوسط هستند. این رقم برای منطقه پنج عبارت است از ۲۲,۵ درصد. در مناطق ۱۲، ۸ و ۱ به ترتیب ۴۰,۵ درصد، ۳۹,۳ درصد و ۳۷,۳ درصد پاسخگویان دارای احساس امنیت متوسط هستند. لازم به ذکر است که پاسخگویان هیچ‌یک از مناطق احساس امنیت خود را خیلی کم ارزیابی نکرده‌اند. تعداد کسانی هم که گفته‌اند از احساس امنیت کم برخوردارند، در همه مناطق پایین است. برای مثال تنها ۲,۸ درصد پاسخگویان منطقه ۵ گفته‌اند از احساس امنیت کم برخوردار هستند. این رقم برای سایر مناطق ۱۲، ۱، ۱۹ و ۸ به ترتیب عبارت است از ۷,۱ درصد، ۶,۲ درصد، ۵,۶ درصد و ۳,۶ درصد.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان برحسب متغیر احساس امنیت و به تفکیک منطقه شهرداری

احساس امنیت	منطقه ۱		منطقه ۵		منطقه ۸		منطقه ۱۲		منطقه ۱۹		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی زیاد	۱۳	۸,۱	۲۵	۸,۸	۱۱	۹,۸	۸	۹,۵	۶	۶,۷	۶۳	۸,۶
زیاد	۷۸	۴۸,۴	۱۸۸	۶۶	۵۳	۴۷,۳	۳۶	۴۲,۹	۳۷	۴۱,۴	۳۹۲	۵۳,۶
متوسط	۶۰	۳۷,۳	۶۴	۲۲,۵	۴۴	۳۹,۳	۳۴	۴۰,۵	۴۲	۴۶,۷	۲۴۴	۳۳,۳
کم	۱۰	۶,۲	۸	۲,۸	۴	۳,۶	۶	۷,۱	۵	۵,۶	۳۳	۴,۵
خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۶۱	۱۰۰	۲۸۵	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۹۰	۱۰۰	۷۳۲	۱۰۰

احساس آنومی / منطقه شهرداری

همان‌طور که داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد، احساس آنومی در منطقه یک بیشتر از سایر مناطق است. در این منطقه ۲۲,۵ درصد پاسخگویان احساس آنومی خود را زیاد و خیلی زیاد عنوان کرده‌اند. این رقم برای هر دو منطقه ۸ و ۱۹ عبارت است از ۱۸ درصد و تنها ۱۰,۶ درصد پاسخگویان منطقه ۵ دارای احساس آنومی زیاد و خیلی زیاد هستند.

نیمی از پاسخگویان مناطق ۵ و ۱۲ میزان احساس آنومی خود را متوسط اعلام کرده‌اند. در مناطق ۱۹، ۸ و ۱ نیز به ترتیب ۴۶،۱، ۴۳،۲ و ۴۱،۹ درصد از پاسخگویان دارای احساس آنومی متوسط هستند.

لازم به ذکر است که در هیچ‌کدام از مناطق، پاسخگویانی با میزان احساس آنومی خیلی کم وجود ندارد؛ اما در همه مناطق بیش از یک‌سوم پاسخگویان دارای احساس آنومی کم هستند. در منطقه ۸ و ۵ به ترتیب ۳۸،۷ و ۳۸،۴ درصد پاسخگویان میزان احساس آنومی خود را کم ارزیابی کرده‌اند. این رقم برای مناطق ۱۹، ۱۲ و ۱ به ترتیب ۳۶،۳، ۳۵،۷ و ۳۵،۶ درصد است.

جدول ۴: توزیع پاسخگویان برحسب احساس آنومی اجتماعی و منطقه شهرداری

احساس آنومی	منطقه ۱		منطقه ۵		منطقه ۸		منطقه ۱۲		منطقه ۱۹		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی زیاد	۷	۴،۴	۸	۲،۸	۴	۳،۶	۰	۰	۱	۱،۱	۲۰	۲،۷
زیاد	۲۹	۱۸،۱	۲۵	۸،۸	۱۶	۱۴،۴	۱۲	۱۴،۳	۱۵	۱۶،۹	۹۷	۱۳،۳
متوسط	۶۷	۴۱،۹	۱۴۲	۵۰	۴۸	۴۳،۲	۴۲	۵۰	۴۱	۴۶،۱	۳۴۰	۴۶،۷
کم	۵۷	۳۵،۶	۱۰۹	۳۸،۴	۴۳	۳۸،۷	۳۰	۳۵،۷	۳۲	۳۶	۲۷۱	۳۷،۲
خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۸۴	۱۰۰	۱۱۱	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۷۲۸	۱۰۰	۷۲۸	۱۰۰

احساس محرومیت/منطقه شهرداری

بر اساس داده‌های جدول زیر، ۳۷،۱ درصد از پاسخگویان منطقه ۱ دارای احساس محرومیت زیاد و خیلی زیاد هستند. در منطقه ۱۹ این عدد ۲۷ درصد است. همچنین این رقم برای مناطق ۸، ۱۲ و ۵ به ترتیب ۳۲،۴، ۳۱ و ۲۹،۹ درصد است.

همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که ۴۸،۳ درصد پاسخگویان منطقه ۱۹ دارای احساس محرومیت متوسط هستند. این رقم برای منطقه ۵ عبارت است از ۴۷،۵ درصد و برای منطقه ۸ نیز ۴۲،۳ درصد است. در مناطق ۱۲ و ۱ نیز به ترتیب ۴۱،۷ و ۴۰،۶ درصد پاسخگویان دارای احساس محرومیت متوسط هستند.

احساس محرومیت پاسخگویان هیچ کدام از مناطق خیلی کم نیست. در منطقه ۱۲ بیش از ۲۷ درصد پاسخگویان گفته‌اند که احساس محرومیتشان کم است. کمترین رقم از این نظر به منطقه ۱ با حدود ۲۲ درصد تعلق دارد. در منطقه ۵ نیز ۲۲,۵ درصد پاسخگویان دارای احساس محرومیت کم هستند. این رقم برای مناطق ۸ و ۱۹ به ترتیب ۲۵,۲ و ۲۴,۷ درصد است.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر احساس محرومیت و منطقه شهرداری

احساس محرومیت	منطقه ۱		منطقه ۵		منطقه ۸		منطقه ۱۲		منطقه ۱۹		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی زیاد	۱۱	۶,۹	۸	۲,۸	۲	۱,۸	۱	۱,۲	۸	۹	۳۰	۴,۱
زیاد	۴۹	۳۰,۶	۷۷	۲۷,۱	۳۴	۳۰,۶	۲۵	۲۹,۸	۱۶	۱۸	۲۰۱	۲۷,۶
متوسط	۶۵	۴۰,۶	۱۳۵	۴۷,۵	۴۷	۴۲,۳	۳۵	۴۱,۷	۴۳	۴۸,۳	۳۲۵	۴۴,۶
کم	۳۵	۲۱,۹	۶۴	۲۲,۵	۲۸	۲۵,۲	۲۳	۲۷,۴	۲۲	۲۴,۷	۱۷۲	۲۳,۶
خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۸۴	۱۰۰	۱۱۱	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۸۹	۱۰۰	۷۲۸	۱۰۰

تحلیل چندمتغیره؛ تحلیل مسیر

در این بخش تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیل مسیر، به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. احساس امنیت اجتماعی چه میزان از تغییرات نابردباری اجتماعی را تبیین می‌کند؟
۲. آیا بین احساس آنومی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد؟
۳. آیا بین احساس محرومیت نسبی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی ارتباط وجود دارد؟

۴. آیا بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق و نابردباری اجتماعی ارتباطی وجود دارد؟

تحلیل مسیر در چند مرحله انجام شده است

مرحله اول: در این مرحله با اجرای رگرسیون چندگانه، اثرات مستقیم کلیه متغیرهای

تحقیق بر متغیر وابسته «نابردباری اجتماعی» سنجیده شده است.

جدول ۶: تحلیل واریانس متغیرهای تحقیق

معداری	F مقدار	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰,۰۰۰	۲۲,۵۹۸	۴۱۳۲,۸۳۰	۶	۲۴۷۹۶,۹۸۱	رگرسیون
		۱۸۲,۸۸۲	۴۷۶	۸۷۰۵۲,۰۶۶	باقیمانده
			۴۸۲	۱۱۱۸۴۹,۰۴۷	کل

در جدول فوق تحلیل واریانس متغیرهای مستقل احساس محرومیت، احساس انومی، احساس امنیت، تحصیلات، درآمد و سن مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح معناداری برای آزمون F ۰,۰۰۰ است. در آزمون تحلیل واریانس، اگر سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ باشد، می‌توان گفت که الگوی به‌کاررفته، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای متغیر نابردباری اجتماعی است؛ به عبارت دیگر متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای متغیر نابردباری اجتماعی هستند. همچنین در جدول زیر اثرات مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نابردباری اجتماعی آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، همه متغیرهای وارد شده در معادله، نقش یکسانی در این تبیین و پیش‌بینی نداشته‌اند. به همین خاطر ضرایب استاندارد و غیر استاندارد و همچنین مقدار B و مقدار Beta به تفکیک متغیرهای مستقل آمده است. به علاوه سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که در کل، کدام متغیرها توان پیش‌بینی دارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود از مجموع شش متغیری که وارد معادله رگرسیون شده است، تنها متغیر درآمد توان پیش‌بینی تغییرات نابردباری اجتماعی در جامعه مورد مطالعه را ندارد.

جدول ۷: ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نابردباری اجتماعی

معداری	مقدار t	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		ضرایب استاندارد Beta	خطای استاندارد B	
۰,۰۰۰	۱۷,۸۴۵		۴,۸۴۴	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۳,۵۹۱	۰,۱۶	۰,۰۴۲	احساس محرومیت
۰,۰۱۱	۲,۵۹۱	۰,۱۱۳	۰,۰۴۵	احساس انومی
۰,۰۰۰	-۵,۰۴۹	-۰,۲۲	۰,۰۴۹	احساس امنیت
۰,۰۰۰	-۶,۰۰۲	-۰,۲۶	۰,۰۳۳	تحصیلات
۰,۰۰۰	۴,۵۸۴	۰,۱۹	۰,۰۶۵	سن
۰,۰۹۳	-۱,۳۰۱	-۰,۰۵۶	۰,۰۴۸	درآمد

مرحله دوم: متغیر احساس امنیت اجتماعی به عنوان یک متغیر درونی و وابسته در نظر گرفته شده است؛ بنابراین در این مرحله با اجرای رگرسیون چندگانه، اثرات مستقیم کلیه متغیرهای تحقیق بر متغیر وابسته «احساس امنیت اجتماعی» سنجیده شده است. بر اساس نتایج تحلیل واریانس، سطح معناداری برای آزمون $F_{0,000}$ بود؛ بنابراین می توان گفت که الگوی به کاررفته، پیش بینی کننده خوبی برای متغیر احساس امنیت اجتماعی است؛ به عبارت دیگر متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون، پیش بینی کننده های مناسبی برای متغیر احساس امنیت اجتماعی هستند.

همچنین در جدول زیر اثرات مستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی آمده است. همان طور که مشاهده می شود، از مجموع پنج متغیری که وارد معادله رگرسیون شده است، متغیر سن توان پیش بینی تغییرات احساس امنیت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه را ندارد.

جدول ۸: ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی

معناداری	مقدار t	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش بین
		ضرایب استاندارد Beta	خطای استاندارد B	
۰,۰۰۰	۱۳,۲۵۰		۳,۸۵۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۶	۲,۷۳۵	۰,۱۲۵	۰,۰۳۹	احساس محرومیت
۰,۰۰۰	-۴,۴۶۴	-۰,۲۰۵	۰,۰۴۱	احساس آنومی
۰,۰۰۰	۳,۹۴۰	۰,۱۷۷	۰,۰۳۰	تحصیلات
۰,۶۵۱	-۰,۴۵۲	-۰,۰۲۰	-۰,۰۶۰	سن
۰,۰۰۰	۳,۵۵۴	۰,۱۶	۰,۰۴۴	درآمد

مرحله سوم: جمع بندی نتایج نهایی تحلیل مسیر

همان طور که از نتایج مراحل قبل مشخص است، به طور کل اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر نابرداری اجتماعی را می توان به سه دسته تقسیم کرد: (۱) اثرات مستقیم؛ (۲) اثرات غیرمستقیم و (۳) اثرات کل؛ بنابراین برخی از متغیرها تنها به صورت مستقیم بر نابرداری اجتماعی اثر داشته اند. برخی نیز به صورت غیرمستقیم و تعدادی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر نابرداری اجتماعی اثر داشته اند.

از آنجایی که در الگوی نظری، تنها متغیر احساس امنیت اجتماعی به صورت متغیر واسط در نظر گرفته شده است؛ بنابراین همین متغیر، تنها متغیری است که فقط اثر مستقیمی بر نابردباری اجتماعی داشته است.

همچنین بر اساس نتایج مرحله اول، متغیر درآمد اثر مستقیمی بر نابردباری اجتماعی نداشته و اثر آن غیرمستقیم و از طریق احساس امنیت اجتماعی بوده است. در نهایت اینکه متغیرهای احساس انومی، احساس محرومیت، سن و تحصیلات هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم بر نابردباری اجتماعی داشتند. در جدول زیر انواع تأثیرات هریک از متغیرهای مستقل تحقیق آمده است. بر این اساس با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در احساس امنیت اجتماعی، نابردباری اجتماعی به میزان ۰,۲۲ درصد کاهش پیدا می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد که بین احساس محرومیت و نابردباری اجتماعی ارتباطی معنادار و منطقی وجود دارد. با افزایش یک واحد استاندارد در احساس محرومیت، نابردباری اجتماعی به میزان ۰,۱۸۴ درصد افزایش می‌یابد. به علاوه با افزایش یک واحد استاندارد در احساس انومی، ۰,۱۵۳ درصد نابردباری اجتماعی افزایش می‌یابد.

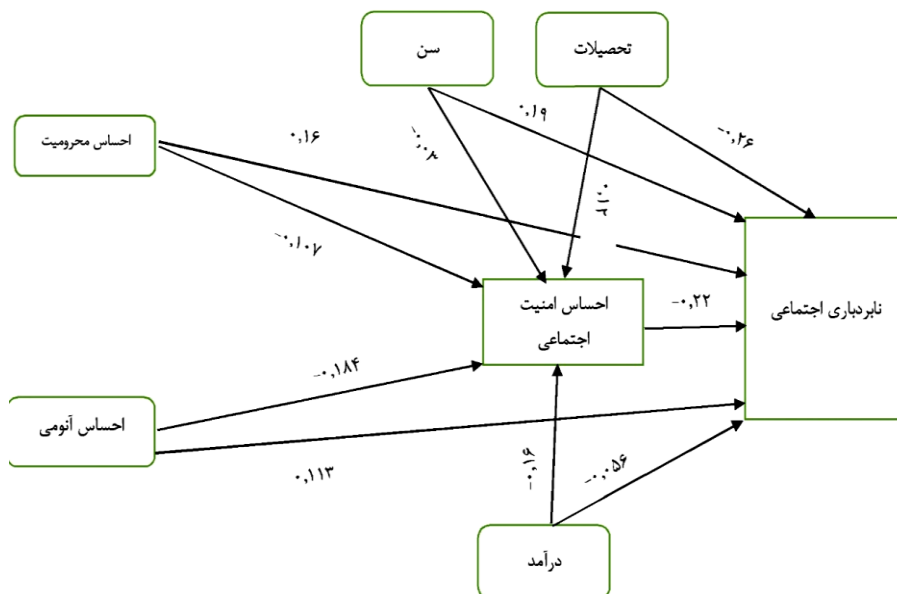
همچنین با بالا رفتن میزان تحصیلات، نابردباری اجتماعی کاهش می‌یابد. در این مورد نتایج نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد استاندارد در میزان تحصیلات، نابردباری اجتماعی به اندازه ۰,۲۸۶ درصد کاهش می‌یابد؛ اما در مورد سن این گونه نیست؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر سن، نابردباری اجتماعی به میزان ۰,۲۰ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت اینکه افزایش درآمد، میزان نابردباری اجتماعی را کاهش می‌دهد. در این مورد با افزایش یک واحد استاندارد در میزان درآمد، نابردباری پاسخگویان به میزان ۰,۰۲۱ درصد کاهش می‌یابد. در جدول زیر نتایج نهایی، شامل تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر نابردباری اجتماعی آمده است.

جدول ۹: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نابردباری اجتماعی

متغیرهای تحقیق	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
احساس امنیت اجتماعی	-۰,۲۲	...
احساس محرومیت	۰,۱۶	۰,۰۲۴
احساس آنومی	۰,۱۱۳	۰,۰۴۰
تحصیلات	-۰,۲۶	-۰,۰۲۶
سن	۰,۱۹	۰,۰۰۶۶
درآمد	-۰,۰۵۶	۰,۰۳۵

الگوی نهایی تجربی

در نهایت اینکه روابط متغیرهای تحقیق با توجه به نقش آن‌ها در تبیین نابردباری اجتماعی در الگوی زیر ترسیم شده است.



نتیجه گیری

به طور کل و با توجه به متغیرهای مستقل تحقیق، هفت فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است. همان طور که نتایج تحلیل مسیر نشان داد، بین درآمد و نابردباری اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و این متغیر از پیش بینی تغییرات نابردباری اجتماعی ناتوان است؛

بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین درآمد و نابردباری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی رد می‌شود. این امر نشان می‌دهد که با افزایش درآمد، میزان نابردباری کاهش یا افزایش نمی‌یابد.

یکی دیگر از فرضیه‌های پژوهش مدعی بود که بین احساس امنیت اجتماعی و نابردباری اجتماعی شهروندان تهرانی، ارتباط معناداری وجود دارد.

بنابر نتایج تحلیل، مسیر فرضیه تحقیق مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین احساس امنیت اجتماعی و نابردباری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی تأیید می‌شود. در این مورد به لحاظ نظری چند نکته قابل توجه است. احساس امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای اولیه انسان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و ممکن است سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال اگر شهروندان احساس کنند که امنیت اقتصادی و یا اجتماعی آن‌ها از جانب افراد مهاجر به خطر می‌افتد، این احتمال که در برابر آن‌ها بردباری کمتری داشته باشند و به‌گونه‌ای نابردبارانه با آن‌ها رفتار کنند، وجود دارد؛ زیرا ممکن است شهروندان تهرانی این‌گونه فکر کنند که مقصر بیکاری بسیاری از ایرانی‌ها، حضور مهاجران باشد.

همچنین طبق یافته‌های تحقیق، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین احساس محرومیت و نابردباری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی تأیید شد. به لحاظ نظری محرومیت از فعالیت‌ها و مزایای اجتماعی در بسترهای تبعیض‌آمیز اولیه می‌تواند موجب نابردباری اجتماعی شود. ممکن است از نظر برخورداری از امکانات رفاهی و حق و حقوق اجتماعی، کل جامعه از سطح قابل قبولی برخوردار باشد، اما چون در محرومیت نسبی، موضوع مقایسه در میان است. این احتمال وجود دارد که افراد خود را با کسانی مقایسه کنند که از آن‌ها برخوردارترند و در نتیجه احساس محرومیت آن‌ها بیشتر شود.

به همین خاطر افراد متعلق به طبقات پایین، زمانی که شرایط زندگی‌شان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. البته چنانچه یافته‌ها نشان

داد، پاسخگویان منطقه مرفه ۱ نیز دارای احساس محرومیت هستند و این ناشی از همان مقایسه با افراد بالاتر از خود است.

فرضیه بعدی مدعی بود بین احساس آنومی و نابرداری اجتماعی شهروندان تهرانی، ارتباط وجود دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این فرضیه نیز تأیید شده است؛ یعنی ارتباط معنادار بین احساس آنومی و نابرداری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی وجود ندارد.

همچنین به لحاظ نظری می‌توان گفت با توجه به اینکه احساس آنومی ناشی از شرایط بی‌نظمی، بی‌قانونی و در کل عدم برقراری هنجارها و قواعد و مقررات اجتماعی است. این نتیجه قابل توضیح است؛ زیرا ممکن است به دلیل مهاجرت‌های گسترده و در نتیجه تنوع ساکنان محلات شهر تهران در برخی از حوزه‌ها و در سطح خرد، ناهنجاری‌هایی مشاهده شود و پیدایش نوعی احساس آنومیک را در پی داشته باشد که این امر میزان نابرداری را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در فرضیه‌ای دیگر بر وجود رابطه معنادار بین سن و نابرداری اجتماعی تأکید شده است. بر اساس یافته‌ها، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین میزان سن و نابرداری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی تأیید می‌شود؛ یعنی به‌طور کل با افزایش سن، نابرداری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. بر اساس این یافته می‌توان گفت، از آنجایی که ایران از نظر جمعیتی کشوری جوان به شمار می‌رود؛ فرصت برای کاهش میزان نابرداری اجتماعی فراهم است؛ اما با حرکت جمعیت به سمت پیری و بالا رفتن میزان سالمندان، در آینده امکان اجرای سیاست‌های کاهش نابرداری سخت‌تر خواهد شد.

همچنین بر اساس یافته‌ها، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین میزان تحصیلات و نابرداری اجتماعی در بین شهروندان تهرانی تأیید شد؛ بنابراین با افزایش میزان تحصیلات از نابرداری اجتماعی کاسته می‌شود. از این نظر نیز افزایش چشمگیر تعداد تحصیل‌کردگان در دهه‌های اخیر در کشور، فرصتی را در جهت کاهش میزان نابرداری فراهم کرده است. در نتیجه می‌توان با اجرای سیاست‌های درست و با تکیه بر جمعیت کثیر تحصیل‌کردگان، از سطح نابرداری اجتماعی کاست.

پیشنادهای کاربردی

کاهش شکاف طبقاتی و جلوگیری از تقویت احساس محرومیت نسبی: به نظر می‌رسد با توجه به ارتباط معنادار احساس محرومیت نسبی و نابردباری اجتماعی بهتر است که نهادهای تصمیم‌گیرنده همه تلاش خود را برای کاهش شکاف طبقاتی و جلوگیری از رشد احساس محرومیت نسبی به ویژه در طبقات پایین اجتماعی به کار گیرند.

ارتقای نظم اجتماعی و جلوگیری از بی‌نظمی و ایجاد شرایط آنومیک در جامعه: نکته‌ای که در اینجا مدنظر است، این است که افراد بدانند که نابردباری اجتماعی برای آن‌ها هزینه دارد؛ یعنی آن‌ها هر لحظه احساس کنند که نهادهای انتظامی و قضایی به‌عنوان متولیان برقراری نظم و اجرای قواعد و مقررات در جامعه، هیچ‌گونه رفتار نابردبارانه شهروندان در برابر یکدیگر را بر نمی‌تابند.

ارتقای سطح اعتماد بین فردی: یکی از راهکارهای افزایش بردباری اجتماعی، اجرای برنامه‌هایی جهت تقویت اعتماد بین فردی است. البته تقویت اعتماد در این سطح بدون افزایش اعتماد عمومی و نهادی ممکن نیست؛ بنابراین باید اقداماتی توسط نهادهای مسئول جهت افزایش سطح اعتماد اجتماعی صورت گیرد. اعتماد همچون سیمانی است که افراد جامعه را به مثابه آجرهای ساختمان جامعه به همدیگر متصل می‌کند که بدون شک کاهش نابردباری اجتماعی را در پی خواهد داشت.

آموزش و فرهنگ‌سازی: فرهنگ مدارا و بردباری بیش از هر رفتار و منش دیگری نیازمند آموزش، به‌ویژه از سطوح پایین است. اول اینکه در شهری مانند تهران باید زمینه‌ای برای حضور کودکان و دانش‌آموزان از اقوام و مذاهب مختلف در مدار و در کنار یکدیگر فراهم شود. باید از شکل‌گیری مدارس یکدست از نظر قومی و فرهنگی جلوگیری کرد. دانش‌آموزان و دانشجویان باید آدم‌های متفاوت را ببینند و با آن‌ها وارد تعامل شوند؛ بنابراین لازم است پس از حضور افرادی با فرهنگ‌ها، باورها، قومیت و ... متفاوت، آموزش‌های لازم در زمینه داشتن بردباری در برابر افراد متفاوت از ما داده شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- احمدی، یعقوب؛ محمدزاده، حسین و مجیدی، ابوبکر (۱۳۹۷)، گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی - فرهنگی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷.
- آدمی، علی (۱۳۹۴)، نقد فرهنگ امنیت ملی با تأمل در آثار باری بوزان و مکتب کپنهاک، مطالعات تحول در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۰-۱۰.
- بنی‌فاطمه، حسین و سلیمی، آمینه (۱۳۹۰)، احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل مرتبط با آن، مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۰.
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۲)، تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، مسائل اجتماعی ایران، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۵-۷.
- بوزان، باری (۱۳۸۰)، تحول در مفهوم امنیت بین‌الملل: جامعه بین‌الملل و امنیت بین‌المللی، ترجمه کابک خبیری، فرهنگ اندیشه، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۳ و ۴.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۸۸)، بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰)، مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارای جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی، شماره سوم.
- حسینی‌نثار، مجید؛ فیض‌ثابت، مصطفی و شب‌افروزان، صغری (۱۳۹۴)، مجله مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره بیست و نهم.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، چاپ اول، تهران، سروش.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ شریعتی‌مزینانی، سارا و صابری، سیروس (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴.
- شارع‌پور، محمود؛ آزادارمکی، تقی و عسکری، علی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مدارای بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱، صص ۹۸-۶۴.
- شهریاری، ابولقاسم؛ خلیلی، محسن و اکبری، حسین (۱۳۹۴)، سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی (نمونه پژوهشی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۱-۱.

- صالحی امیری، سید رضا و کریمی خوزانی، علی (۱۳۹۵)، نقش اخلاق اجتماعی بر امنیت اجتماعی و عمومی، فصلنامه اخلاق در علوم رفتاری، سال یازدهم، شماره ۱.
- عسگری، علی و شارع‌پور، محمود (۱۳۸۸)، گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۴-۱.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴)، «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۵.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ شارع‌پور، محمود و فرزام، نازنین (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی، مطالعات فرهنگ ارتباطات، پاییز ۱۳۹۵، دوره ۱۷، شماره ۳۵، صص ۳۱-۷.
- قاضی‌نژاد، مریم و اکبرنیا، الهه سادات (۱۳۹۶)، دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران: بهار، ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۱، صص ۴۰-۲۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران، نشر آن.
- نادعلی، مریم (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بردباری اجتماعی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- هزارجریبی، جعفر؛ کشوری چرمی، مصطفی؛ فاروقی، الهام و مقدم، عقیل (۱۳۹۳)، بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی تهران)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز ۹۳.

الف. منابع انگلیسی

- Agius, Emmanuel and mbrosewicz, Jolanta. (2003). Towards a culture of Tolerance and Peace, International Bureau for Children's Rights
- Gieling, Maïke, Thijs, Jochem and Verkuyten, Maykel. (2010). Tolerance of Practices by Muslim Actors: An Integrative Social-Developmental Perspective, Child Development, Vol. 81, No. 5
- Halpern, Leah Webb. (2003). the effect of higher education tolerance: An investigation of political and cultural attitudes of college students, Academic Forum, 21, 90-130.
- Ikeda, Ken'ichi and Richey, Sean (2009). The Impact of Diversity in Informal Social Networks on Tolerance in Japan, British Journal of Political Science, Vol. 39, No. 3 (Jul., 2009), pp. 655-668
- Kasara, Kimuli, (2013) Separate and Suspicious: Local Social and Political Context and Ethnic Tolerance in Kenya, The Journal of Politics, Vol. 75, No. 4 (Aug. 19, 2013), pp. 921-936

- Lee, Francis L. F. (2014). Tolerated One Way but Not the Other: Levels and Determinants of Social and Political Tolerance in Hong Kong, *Social Indicators Research*, Vol. 118, No. 2 (September)
- Persell, Caroline Hodges, Green, Adam and Gurevich Liena. (2001) Civil Society, Economic Distress, and Social Tolerance, *Sociological Forum*, Vol. 16, No. 2 (Jun., 2001), pp. 203-230
- Prior, Warren Mellor, Suzanne and Withers, aeme. (2001). Promoting Social Tolerance And Cohesion Through Education: Reprt 3: An Educational Framework For The Promotion Of Social Cohesion And Democratic Participation In Schools, Australian Council for Educational Research
- Rapp, Carolin and Katherin Ackermann. (2016), The consequences of social intolerance on nonviolent protest, *European Political Science Review* (2016), 8:4, 567–588
- Van Doorn, Marjoka, (2012). ‘Tolerance’, *Socio pediaisa*, DOI: 10.1177/2056846012121
- Widmalm ten and Oskarsson Sven (2008). Tolerance and Democracy in Liberal and Authoritarian Market Economies: Report from conference proceedings on authoritarian capitalism, *Glasshouse Forum* (2014) 711-727